



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Effectiveness of Teaching Philosophy for Children on The Quality of Interaction Between Teachers and Female Students First High School

*Behboud Yarighol*¹, Maryam Halimi Shabestari², Parvin Bahari³*

¹ *Department of Educational Sciences, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran.*

² *Faculty of Humanities, Azad University of Tabriz, Tabriz, Iran.*

³ *Department of Educational Sciences, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Azarbaijan Shahid Madani University. Tabriz, Iran.*

ABSTRACT

Background and Objectives: The aim of this study was to investigate the effect of teaching philosophy to children on the quality of interaction between teachers and female students First High School. **Methods:** The study methodology was quasi-experimental study with pretest-posttest design by control group. Statistical society included all female students of the first high school level in Tabriz city in the academic year of 2019-20 that among them a sample of 60 students were selected by cluster sampling method and were assigned in both control and experimental groups randomly. Data were collected using Teacher-student interaction questionnaire (QTI) that validity were evaluated by the opinion of experts and the reliability by alpha Cronbach was 0.87. The philosophy education program for treatment group was performed in the form of community of inquiry method during 11 sessions. For data analysis Spss18 software were used. **Findings:** The results showed that the Teaching Philosophy to Children as much as 68% is effective on students' individual differences in the interaction between teachers and students. **Conclusion:** Data analyses indicated teaching philosophy to children can have positive effects on quality of interaction between teachers and female first high school students.

Keywords:

Interaction,
Students,
Teacher-Student Interaction,
Teachers,
Teaching philosophy to children.

Corresponding author

✉ b.yarigholi@azaruniv.ac.ir

Received: 2021/03/04


Reviewed: 2021/08/08

Accepted: 2021/09/30

ISSN (Online): 2645-8098

DOI: [10.48310/PMA.2024.3518](https://doi.org/10.48310/PMA.2024.3518)

Citation (APA): Yarigholi, B., Halimi Shabestari, M., & Bahari, P. (2024). Effectiveness of Teaching Philosophy for Children on The Quality of Interaction Between Teachers and Female Students First High School. *Educational and Scholastic studies*, 13 (1), 99 - 111.

 <https://doi.org/10.48310/PMA.2024.3518>



اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر کیفیت تعامل بین معلمان و دانش‌آموزان دختر متوسطه اول

مقاله پژوهشی / مروری

بهبود یاریقلی^{۱*}، مریم حلیمی شبستری^۲، پروین بهاری^۳

۱. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.
۲. گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد واحد تبریز.
۳. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

چکیده

پیشینه و اهداف: هدف از پژوهش حاضر، بررسی تأثیر آموزش فلسفه به کودکان بر کیفیت تعامل معلمان و دانش‌آموزان دختر متوسطه اول بود. **روش‌ها:** روش پژوهش نیمه تجربی از نوع طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری را کلیه دانش‌آموزان دختر متوسطه اول شهر تبریز در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ تشکیل دادند که از بین آن‌ها ۶۰ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب و در بین گروه‌ها جای‌دهی شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه تعامل معلم و دانش‌آموز (QTI) استفاده شد که روایی آن از طریق نظر متخصصان بررسی گردید و اعتبار آن به‌وسیله آلفای کرونباخ ۰/۸۷ به‌دست آمد. برنامه آموزش فلسفه به کودکان به مدت ۱۱ جلسه، به‌صورت اجتماع‌پژوهی برای گروه آزمایش انجام شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار Spss 18 انجام گرفت. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که آموزش فلسفه به کودکان به میزان ۶۸ درصد بر تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان در تعامل بین معلمان و دانش‌آموزان مؤثر است. **نتیجه‌گیری:** بر اساس نتایج، آموزش فلسفه به کودکان می‌تواند بر کیفیت تعامل معلمان و دانش‌آموزان دختر متوسطه اول تأثیر مثبت بگذارد.

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به‌صورت آنلاین استفاده کنید.

واژه‌های کلیدی:

آموزش فلسفه به کودکان
تعامل
تعامل معلم-دانش‌آموز
دانش‌آموزان
معلمان

۱. نویسنده مسئول

b.yargholi@azaruniv.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۵/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۰۸

شماره صفحات: ۹۹ - ۱۱۱

DOI: [10.48310/PMA.2024.3518](https://doi.org/10.48310/PMA.2024.3518)

شاپا الکترونیکی: ۲۶۴۵-۸۰۹۸



COPYRIGHTS

©2024 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

مقدمه

تعامل بین معلم و دانش‌آموز رابطه اجتماعی، علمی و عاطفی است که در بین معلمان و دانش‌آموزان در محیط مدرسه و کلاس درس وجود دارد و می‌تواند نقش بارزی در دستیابی به اهداف نظام تعلیم و تربیت داشته باشد. روابط انسانی، موهبتی الهی هستند که در وجود آدمی نهاده شده‌اند. برقراری، حفظ و گسترش این روابط در میان معلم و دانش‌آموز، احساس رضایت و تفاهم را در طرفین ایجاد کرده و زمینه انگیزش، رشد و شکوفایی استعدادها را در دانش‌آموزان و در نهایت دستیابی به اهداف نظام تعلیم و تربیت را فراهم می‌کند. هر کلاس درسی یک محیط اجتماعی قلمداد می‌شود که در آن معلمان و دانش‌آموزان باهم تعامل دارند (Kadivar, 2017). تعامل به‌عنوان عاملی قدرتمند در ایجاد رابطه شناخته شده است (Turner & Christensen, 2020). وجود تعامل مثبت و سازنده بین معلم و دانش‌آموز به مراتب نقش تأثیرگذارتر از امکانات آموزشی و کمک‌آموزشی در ارتقاء عملکرد تحصیلی دارد. از طرفی اولین تجربه‌های زندگی اجتماعی هر فردی در مدرسه شکل می‌گیرد و دانش‌آموز مهارت برقراری روابط اجتماعی سالم و درست را در محیط مدرسه و از طریق تعامل با معلمان خود می‌آموزد.

تعامل معلم - دانش‌آموز^۱ یک جو اجتماعی - روانی در کلاس است که از طریق شیوه کلاس‌داری معلم و ارتباطات کلامی و غیرکلامی بین معلم و دانش‌آموز تعریف می‌شود و ایجاد کننده شرایطی است که معلم و دانش‌آموز بتوانند بر یکدیگر تأثیرگذار باشند (Hosseinchari et al., 2019). سازه تعامل معلم - دانش‌آموز از مدل نظری رفتار بین فردی معلم گرفته شده است و در سال ۱۹۹۳ توسط وابلیس ارائه شد. در این مدل تعامل معلم به صورت کلی دارای چهار بعد همکاری، تضادورزی، تسلیم و تسلط است که در قسمت تعامل معلم - دانش‌آموز این چهار بعد کلی در هشت بعد رهبری^۲، کمک‌کننده و دوستانه^۳، درک‌کردن^۴، آزادی و مسئولیت‌پذیری^۵، نامطمئن بودن^۶، نارضایتی^۷، سرزنش‌کردن^۸ و سخت‌گیرانه^۹ سنجیده می‌شود (Lourdusamy & Khine, 2001). پویز و دیگران (Poysa et al, 2019) معتقد هستند که تعامل معلم - دانش‌آموز از طریق سه بعد حمایت عاطفی، سازمان‌دهی کلاسی و پشتیبانی آموزشی ایجاد می‌شود؛ وقتی این تعامل از حمایت عاطفی برخوردار باشد دانش‌آموز راحت‌تر می‌تواند نیازهای عاطفی، اجتماعی و تحصیلی خود را بیان کند در مقابل معلم هم پاسخ‌گوی این نیازها خواهد بود همچنین پرورش رفتارهای مثبت و حمایت از عملکرد دانش‌آموزان از شاخص‌های سازمان‌دهی کلاس هستند. در نهایت استفاده از استراتژی‌های آموزشی و دادن بازخورد جهت حمایت از یادگیری جزء شاخص‌های پشتیبانی آموزشی می‌باشند (Allen et al., 2013; Hafen et al., 2015). تعامل بین فردی به صورت تصادفی حاصل نمی‌شود بلکه منوط به رفتار بین فردی، یک فرد با شخصی دیگر است که با او در ارتباط است؛ در برقراری تعاملات مفید، معلم مشتاق است تا از دانش‌آموز خود دعوت به پاسخ متقابل کند بنابراین تعامل معلم - دانش‌آموز دارای رویکردی دوطرفه است (Pennings et al., 2018).

کیفیت تعامل بین معلم و دانش‌آموزان در کلاس درس نقش تأثیرگذاری بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارد (Pianta, 2016). در واقع زمانی معلم می‌تواند در کلاس، آموزشی اثربخش داشته باشد که محیطی تعاملی و دیالکتیکی بین خود و دانش‌آموزان ایجاد کند. سبک‌های تعاملی سازنده بین معلم و دانش‌آموز ایجاد کننده فرصت‌های یادگیری می‌باشند و عاملی اساسی در پرورش مهارت‌های اصلی و مهم دانش‌آموزان است (Rahmani Zahed et al., 2018). در این راستا نتایج مطالعات انجام گرفته هم بر ارتباط تعامل معلم - دانش‌آموز با انگیزه یادگیری، علاقه دانش‌آموز

1. Teacher-student interaction
2. Leadership
3. Helping & Friendly
4. Understanding
5. Freedom & responsibility
6. Uncertain
7. Dissatisfied
8. Admonishing
9. Strict

و پیشرفت تحصیلی تأکید دارند (Araujo et al., 2016; Kiemer et al., 2015). در مقابل، عدم تعامل سازنده بین معلم و دانش‌آموز در کلاس به‌مرور باعث ایجاد مشکلات یادگیری، افت تحصیلی و حتی ترک تحصیل در دانش‌آموزان می‌شود. بر اساس تحقیقات متقی و دیگران (Mottaqi et al., 2015) کیفیت تعامل بین معلم و دانش‌آموز می‌تواند تصمیم به ترک تحصیل در دانش‌آموزان را کاهش دهد. تعامل معلم - دانش‌آموز یک تعامل ساده بین طرفین نیست؛ بلکه معامله‌ای کامل است که در چارچوب عوامل تأثیرگذار بر آن ایجاد می‌شود (Lari et al., 2019). بنابراین با توجه به اهمیت نقش تعامل معلم - دانش‌آموز در عملکرد تحصیلی و پرورشی دانش‌آموزان، نیاز به بررسی این سازه، یک نیاز اساسی و مبرم است. از طرفی داشتن مهارت‌های اجتماعی و بینش بین‌فردی در هر فرد مبنا و اساس برقراری تعامل مثبت و سازنده با دیگران است. گفت‌وگوی فلسفی در بین دانش‌آموزان که از طریق آموزش فلسفه ایجاد می‌شود، نقش تأثیرگذاری در جهت تقویت بینش بین فردی و تربیت اجتماعی دانش‌آموزان دارد.

آموزش فلسفه به کودکان در دهه ۱۹۷۵ توسط متیو لیپمن^۱ با هدف استقرار فلسفه به‌عنوان یک محتوای درسی کامل در مدارس و کشف رابطه بین فلسفه و کودکی به‌وجود آمد (Vansieleghe & Kennedy, 2011). جنبش فلسفه برای کودکان معتقد است که آموزش فلسفه به کودکان باعث ایجاد تغییرات اساسی در تعلیم و تربیت می‌شود به‌طوری‌که رویکرد معلم محور را که در آن معلم نقش انتقال دهنده دانش را دارد به رویکرد دانش‌آموز محور تغییر می‌دهد همچنین به یادگیری از طریق کشف و آزمایش و ساخت دانش تأکید می‌کند و از این طریق رابطه سلسله مراتبی بین معلم و دانش‌آموز را از بین برده و بر تقویت تفکر آزادانه، تفکر انتقادی، گفت‌وگو و مشارکت در دانش‌آموزان تأکید دارد (Vansieleghe, 2005). لیپمن با عنایت به این موضوع که افراد در سنین کودکی سرشار از کنجکاوی، خلاقیت و اشتیاق به یادگیری هستند و اگر این ویژگی‌ها در کودکان پرورش داده نشود در بزرگسالی به افرادی منفعل و فاقد مهارت پرستشگری تبدیل خواهند شد؛ برنامه‌ای شامل آموزش داستان‌های کوتاه فلسفی برای کودکان از ۳ سالگی تا بزرگسالی طراحی کرد و از این طریق به تقویت قدرت تفکر و استدلال در کودکان پرداخت (Isa Morad et al., 2019).

از دیدگاه لیپمن هدف از آموزش فلسفه به کودکان، آموزش آراء فلسفی نیست. لیپمن (Lipman, 2003) مهم‌ترین هدف تدوین برنامه آموزش فلسفه به کودکان، کمک به پرورش تفکر خلاق و انتقادی است. آموزش فلسفه به کودکان با تنوع بخشیدن به کلاس درس کمک زیادی به تقویت گفتار دانش‌آموزان و ارتقاء روابط سالم و مثبت در بین آن‌ها دارد همچنین فرصتی فراهم می‌کند تا دانش‌آموزان درک عمیق‌تری از مهارت‌های اصلی زندگی مانند گوش‌دادن، همفکری، و زندگی در اجتماعی با نظرات و نیازها و توانایی‌های متنوع را بیاموزند (Lukey, 2012). در این روش دانش‌آموزان در بحث‌های گروهی متمرکز بر مسائل فلسفه شرکت می‌کنند؛ محرک این گفت‌وگوها، داستان‌هایی با مضامینی مانند حقیقت، قلدری و انصاف هستند؛ هدف از اجرای برنامه این است که به کودکان کمک کند تا توانایی بیشتری در سؤال پرسیدن، استدلال کردن و شرکت در بحث‌های مستدل کسب کنند (Gorard et al., 2018). رویارویی با مسائل و مشکلات آموزش و حتی چالش‌ها موجود در اجتماع و برخورد درست با آن نیازمند درست اندیشیدن و داشتن قوه تحلیل و قضاوت صحیح است که این مهم در سایه آموزش فلسفه به کودکان حاصل می‌شود. به‌این ترتیب فلسفه برای کودکان به‌مانند نقشه راهی برای کسب مهارت‌ها و آماده کردن آن‌ها جهت زندگی بهتر در محیط‌های اجتماعی و برقراری روابط سازنده با اطرافیان است.

پیشینه پژوهش

از دهه ۱۹۷۰ تا به امروز آموزش فلسفه به کودکان از لحاظ علمی و تجربی مورد توجه قرار داشته و مطالعات انجام گرفته، هم در ایران و هم در خارج از کشور همگی نشان از تأثیر رویکرد فلسفی بر رشد منش‌های اخلاقی را دارند (Marashi et al., 2012). با توجه به مطالعات انجام گرفته تاکنون هیچ‌کدام اثربخشی این برنامه را بر کیفیت تعامل معلم و دانش‌آموز بررسی نکرده‌اند. از طرفی جامعه آماری تعداد بیشتری از پژوهش‌های صورت گرفته در ارتباط با

تعامل معلم - دانش آموز و همچنین پژوهش‌های مرتبط با آموزش فلسفه، دانش‌آموزان دوره ابتدایی بوده و توجه زیادی به دوره متوسطه به‌ویژه نوجوانان نشده است. در این راستا فاطمی و دیگران (Fatemi et al, 2021) طی پژوهشی اثربخشی برنامه ترکیبی آموزش فلسفه به کودکان و همدلی بر شایستگی اجتماعی دانش‌آموزان پسر پایه پنجم و ششم ابتدایی را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که آموزش فلسفه به کودکان و همدلی می‌تواند بر ارتقای شایستگی اجتماعی دانش‌آموزان تأثیر معناداری داشته باشد و اجرای این برنامه موجب افزایش شایستگی اجتماعی دانش‌آموزان می‌شود. در پژوهشی دیگر که چراغ‌زاده و دیگران (Cheraghzadeh et al, 2019) با هدف اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر احساس تنهایی و ناامیدی دانش‌آموزان دختر پایه سوم دبستان انجام دادند؛ به این نتیجه رسیدند که آموزش فلسفه به کودکان باعث کاهش احساس ناامیدی و تنهایی در آن‌ها می‌شود. حسینی امین و دیگران (Hosseiniamin et al, 2018) طی مطالعه‌ای تأثیر آموزش فلسفه بر رفتار اجتماعی دانش‌آموزان پسر پایه‌های پنجم و ششم ابتدایی شهر سرچشمه را بررسی کردند و نشان دادند که آموزش فلسفه در بهبود رفتارهای اجتماعی این دانش‌آموزان اثربخش است. در پژوهشی دیگر ماهروزاده و رمضان‌پور (Mahrouzadeh & Ramezanpoor, 2011) به بررسی تأثیر روش اجتماع پژوهی برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش مهارت‌های شهروندی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که اجرای این برنامه تأثیر مثبت بر پرورش مهارت‌های شهروندی دانش‌آموزان سوم ابتدایی دارد.

جنسن (Jensen, 2021) طی پژوهشی به بررسی تأثیر فلسفه با کودکان از دیدگاه معلمان در آموزش ابتدایی پرداخت و به این نتیجه رسید که فلسفه با کودکان بر نحوه درک معلمان از دانش‌آموزان خود تأثیر مثبت می‌گذارد و به‌ویژه برای دانش‌آموزان حاشیه‌ساز مطلوب است. همچنین آموزش فلسفه به کودک تأثیرات مثبتی بر دانش‌آموزان، معلمان و نحوه تدریس آن‌ها دارد. یان و دیگران (Yan et al, 2018) در یک مطالعه فراتحلیل به بررسی تأثیر برنامه‌های فلسفه برای کودکان بر نتایج شناختی دانش‌آموزان از کلاس دوم تا دوازدهم پرداختند و به این نتیجه رسیدند که آموزش فلسفه اثر متوسط بر یادگیری شناختی و اثر مثبت معنادار بر کسب مهارت استدلال دانش‌آموزان دارد و نتایج این مطالعات در کشورهای غیر غربی از اندازه اثر بیشتری نسبت به کشورهای غربی برخوردار بود. دای ماسی و سانتی (Di Masi & Santi, 2016) طی پژوهشی با بررسی یادگیری تفکر آزادمنشانه با استفاده از آموزش فلسفه به کودکان دریافتند که از طریق آموزش فلسفه به کودکان دانش‌آموزان قادر به اندیشیدن به سبک آزادمنشانه در فرآیند تصمیم‌گیری هستند. در پژوهشی دیگر توپینگ و تریکی (Topping & Trickey, 2014) به بررسی نقش گفت‌وگو در فلسفه برای کودکان پرداختند و نشان دادند که آموزش فلسفه موجب افزایش طرح پرسش‌ها توسط معلم و ارتقاء مشارکت دانش‌آموزان در گفت‌وگوهای کلاس می‌شود. همچنین این آموزش با ایجاد تغییراتی در تعامل بین معلم و دانش‌آموز، موجب پیشرفت سطح یادگیری اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان می‌شود.

باتوجه به نتایج مطالعات انجام‌گرفته تاکنون تأثیر آموزش فلسفه به کودکان بر کیفیت تعامل معلم - دانش‌آموز بررسی نشده است. همچنین به نظر می‌رسد در پژوهش‌های صورت گرفته دوره نوجوانی مورد کم‌توجهی واقع شده است. با عنایت به این مهم که دانش‌آموزان در دوران نوجوانی به دلیل پایین بودن سطح اعتمادبه‌نفس در برقراری ارتباط با دیگران دچار تعارض می‌شوند؛ این در حالی است که افراد در هیچ دوره‌ای به اندازه دوران نوجوانی نیازمند داشتن تعامل سازنده با اطرافیان از جمله معلمان خود نیستند و همچنین در دوره متوسطه برخلاف دوره ابتدایی، دانش‌آموزان با چندین معلم در ارتباط هستند که هرکدام از ویژگی‌های متفاوتی برخوردارند از طرفی دیگر به علت ویژگی‌های اجتماعی جامعه و تفاوت در روش‌های تربیتی والدین، دختران در مقایسه با پسران تعاملات اجتماعی محدودتری دارند و برای برقراری تعاملات اجتماعی خود، بیشتر به محیط مدرسه تکیه می‌کنند؛ وجود تعارض در تعامل بین معلم و دانش‌آموز می‌تواند دانش‌آموزان دختر نوجوان را به سوی احساس تنهایی سوق دهد (Salehi & Seif, 2012). باتوجه به مطالب ذکرشده به نظر می‌رسد بررسی تعامل معلم - دانش‌آموز در این دوره نسبت به دوره‌های دیگر از ضرورت بیشتری برخوردار است. بنابراین در این پژوهش محققین به دنبال آن هستند تا بررسی کنند آیا آموزش فلسفه به کودکان بر کیفیت تعامل بین معلمان و دانش‌آموزان دختر متوسطه اول تأثیر دارد؟

روش

روش پژوهش حاضر نیمه آزمایشی (نیمه تجربی) از نوع طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش‌آموزان دختر دوره اول متوسطه شهر تبریز در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ تشکیل دادند که ۶۰ نفر از آن‌ها (۳۰ نفر گروه آزمایش و ۳۰ نفر گروه کنترل) به‌عنوان نمونه آماری پژوهش با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب و به‌صورت تصادفی در هریک از گروه‌ها قرار گرفتند. در این پژوهش ابزار اندازه‌گیری پرسش‌نامه تعامل معلم و دانش‌آموز (QTI) است. این پرسش‌نامه توسط وبلز و دیگران (۱۹۹۳) بر اساس مدل لیری (۱۹۵۷) ساخته شده است که ارائه‌کننده تصویری از ادراک دانش‌آموزان از رفتارهای معلم در کلاس است. نسخه استرالیایی پرسش‌نامه مذکور شامل ۴۸ گویه است که در آن تعامل معلم به‌صورت کلی دارای چهار بعد همکاری، تضادورزی تسلیم و تسلط است که در قسمت تعامل بین معلم و دانش‌آموز، ویژگی رفتاری معلم را بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت از طریق ۸ بعد (رهبری، درک و فهم، عدم اطمینان، سرزنش کردن، مسئولیت و آزادی، عدم رضایت، رفتار سخت‌گیرانه، کمک و یاری) می‌سنجد (Lourdusamy & Khine, 2001). در پژوهش محمدی باغملایی و یوسفی (Mohammadi Baghmolai & Yousefi, 2018) از طریق تحلیل عاملی تأییدی روایی سازه‌ای نسخه ۴۸ سؤالی پرسش‌نامه تأیید شد و آلفای کرونباخ ابعاد پرسش‌نامه بین ۰/۷۲ تا ۰/۸۳ به‌دست آمد. در پژوهش حاضر روایی پرسش‌نامه توسط متخصصان اهل فن تأیید شد و اعتبار آن از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۷ به‌دست آمد.

مواد برنامه آموزش فلسفه به کودکان: در این پژوهش جهت اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان از چند مجموعه داستان به نام‌های «داستان‌هایی برای فکر کردن» فیشر^۱ ترجمه شهری لنگرودی (Shahri Langroudi, 2023) «داستان‌های فلسفی برای کودکان و نوجوانان» پرجسپرسن^۲ ترجمه کیانیان و شریفیان (Kianian & Sharifian, 2005) و «توجیه فلسفه برای دخترم» راژر- پل دروا^۳ ترجمه وفایی (Vafaii, 2007) استفاده شد. این داستان‌ها، دارای مضامین فلسفی و اخلاقی بوده و به موضوعاتی همچون راست‌گویی، درستی، احترام، رضایت، خوبی و بدی و درک می‌پردازند. اهدافی که در این داستان‌ها در نظر گرفته شده شامل اهداف آموزشی، شناختی، اخلاقی و اجتماعی است. بدین معنا که کودکان در جریان کندوکاو فلسفی، علاوه بر مهارت‌های استدلال به بهبود کیفیت تعامل، احترام به دیگران و دیگر ارزش‌های اخلاقی نیز هدایت می‌شوند.

جدول ۱. ساختار جلسات آموزش فلسفه برای کودکان

جلسات	عنوان داستان	طرح بحث
اول	معارفه، شرح برنامه و اهداف آن، پیش‌آزمون	
دوم	دو نقاش	زیبایی
سوم	گلرت از افسانه‌های ولز	خشم
چهارم	شاهزاده سانا	جرأت و ترس
پنجم	پیرزنی در بطری سرکه	خوشبختی
ششم	پسری که می‌خواست همیشه زنده بماند	مرگ
هفتم	برنده اسب جنیان	شانس
هشتم	حقیقت ندارد	حقیقت
نهم	ویلیام تل	آزادی
دهم	خرسی که حرف می‌زد	دوستی
یازدهم	خیر در شر، شر در خیر	خیر و شر

1. Fisher
2. Per Jesprsn
3. Roger – Pol Droit

برای اجرای کار، ابتدا با استفاده از مقیاس تعامل معلم و دانش‌آموز (QTI) آزمون مقدماتی برای هر دو گروه آزمایش و کنترل اجرا شد، سپس دانش‌آموزان گروه آزمایش در ۱۱ جلسه هفتگی که هر جلسه به مدت ۵۰ دقیقه تشکیل شد؛ شرکت کردند. جلسه مقدماتی، به معرفی برنامه آموزش فلسفه به کودکان و توضیح اهداف آن اختصاص داده شد. در تمام جلسات، با استفاده از اجتماع پژوهشی موضوعاتی تحت عنوان «طرح بحث» ارائه شد به این صورت که ابتدا بخشی از داستان فلسفی به وسیله یکی از دانش‌آموزان خوانده و سپس نظرات هر یک از دانش‌آموزان بر روی تابلو نوشته می‌شد و دانش‌آموزان به ترتیب در مورد نظرات خود با ارائه دلیل صحبت می‌کردند. به این ترتیب، میان دانش‌آموزان گفت‌وگو صورت می‌گرفت که اساس آن روش اجتماع پژوهشی بود. بعد از اتمام بازده جلسه، آزمون نهایی برای هر دو گروه آزمایش و کنترل اجرا شد و تفاوت نمرات دو گروه مورد بررسی قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS-18 و در دو روش آمار توصیفی و آمار استنباطی انجام گرفت.

یافته‌ها

در این بخش از پژوهش یافته‌ها در دو بخش آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (تحلیل کوواریانس) مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی مربوط به پیش‌آزمون و پس‌آزمون ابعاد تعامل معلم - دانش‌آموز

شاخص متغیر گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
رهبری	آزمایش	۸۳/۸۰	آزمایش	۹۶/۷۳
	کنترل	۷۲/۴۷	کنترل	۱۳/۸۴
درک و فهم	آزمایش	۲۵/۷۳	آزمایش	۲۸/۸۷
	کنترل	۲۱/۳۳	کنترل	۴/۷۹
عدم اطمینان	آزمایش	۲۱/۸۷	آزمایش	۲۰/۴۰
	کنترل	۱۸/۸۰	کنترل	۴/۵۰
سرزنش کردن	آزمایش	۱۰/۱۳	آزمایش	۹/۸۷
	کنترل	۸/۹۳	کنترل	۲/۵۴
مسئولیت و آزادی	آزمایش	۲۶/۰۷	آزمایش	۳۰/۶۰
	کنترل	۲۳/۴۰	کنترل	۴/۵۷
عدم رضایت	آزمایش	۲۷/۰۶	آزمایش	۱۹/۶۰
	کنترل	۱۷/۰۲	کنترل	۲/۸۴
رفتار سخت‌گیرانه	آزمایش	۲۷/۰۸	آزمایش	۲۰/۹۶
	کنترل	۲۲/۰۶	کنترل	۲/۳۲
کمک و یاری	آزمایش	۱۲/۰۸	آزمایش	۱۵/۲۶
	کنترل	۲۰/۰۱	کنترل	۲/۸۰

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد میانگین نمرات گروه آزمایش با آموزش فلسفه به کودکان در مرحله پس‌آزمون در ابعاد رهبری، درک و فهم، مسئولیت و آزادی و کمک و یاری نسبت به پیش‌آزمون افزایش یافته؛ اما نمرات عدم اطمینان، سرزنش کردن، عدم رضایت و رفتار سخت‌گیرانه مقداری کاهش داشته است. در ارتباط با بررسی سؤال پژوهش از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شد. قبل از انجام تحلیل کوواریانس باید از رعایت پیش‌فرض‌های نرمال بودن داده‌ها، همسانی واریانس‌ها و همسانی شیب رگرسیون اطمینان حاصل گردد. در این پژوهش نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنوف نشان داد نمرات دو گروه آزمایش و کنترل در تمامی ابعاد تعامل معلم - دانش‌آموز دارای توزیع نرمال هستند. جهت بررسی همسانی واریانس بین گروه‌ها آزمون لون محاسبه شد.

جدول ۳. آزمون لون برای بررسی همگنی واریانس در گروه‌ها

متغیرها	F	درجه آزادی یک	درجه آزادی دو	سطح معناداری
رهبری	۳/۴۰	۱	۲۸	۰/۰۷۶
درک و فهم	۰/۹۵۶	۱	۲۸	۰/۳۳۷
عدم اطمینان	۴/۸۱	۱	۲۸	۰/۰۳۷
سرزنش کردن	۴/۶۶	۱	۲۸	۰/۰۴۰
مسئولیت و آزادی	۸/۲۲	۱	۲۸	۰/۰۰۸
عدم رضایت	۰/۷۸۲	۱	۲۸	۰/۳۸۴
رفتار سخت‌گیرانه	۰/۵۶۲	۱	۲۸	۰/۰۸۴
کمک و یاری	۰/۴۷۲	۱	۲۸	۰/۳۲۹

باتوجه به جدول ۳، نتایج آزمون لون نشان داد که گروه‌ها در همه ابعاد غیر از سه بعد (عدم اطمینان، سرزنش کردن و مسئولیت و آزادی)، از لحاظ واریانس درون‌گروهی تفاوت معناداری با هم ندارند. در صورتی که حجم نمونه در دو گروه برابر باشد تأثیر ناهمگنی واریانس‌ها قابل چشم‌پوشی است (Mesrabadi, 2019). بنابراین با توجه به برابر بودن حجم دو گروه آزمایش و کنترل در این پژوهش، می‌توان ناهمگنی واریانس‌ها را در این سه بعد نادیده گرفت. همچنین از طریق اثر تعاملی کرویت با متغیر مستقل، پیش‌فرض همگنی شیب‌های رگرسیون در بین گروه‌ها بررسی شد که نتایج نشان‌دهنده تعامل غیر معنادار و همگنی شیب‌های رگرسیون در بین گروه‌ها بود.

جدول ۴. نتایج آزمون تحلیل کواریانس چند متغیره برای مقایسه مؤلفه‌های تعامل معلم - دانش‌آموز

آزمون	مقدار	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	سطح معناداری	مجذور اتا
اثر پیلایی	۰/۶۸	۱۶/۵۱	۳	۲۳	۰/۰۰۰۱	۰/۶۸
لامبدای ویلکز	۰/۳۲	۱۶/۵۱	۳	۲۳	۰/۰۰۰۱	۰/۶۸
اثر هتلینگ	۲/۱۵	۱۶/۵۱	۳	۲۳	۰/۰۰۰۱	۰/۶۸
بزرگترین ریشه روی	۲/۱۵	۱۶/۵۱	۳	۲۳	۰/۰۰۰۱	۰/۶۸

همان‌طور که از نتایج جدول ۴، مشاهده می‌شود هر چهار آماره چند متغیری مربوطه یعنی اثر پیلایی، لامبدای ویلکز، اثر هتلینگ و بزرگترین ریشه روی با مقدار آماره F ، $16/51$ در سطح $P < 0/0001$ معنادار هستند بنابراین بین دانش‌آموزان گروه‌های آزمایش و کنترل حداقل از لحاظ یکی از مؤلفه‌های کیفیت تعاملی معلم - دانش‌آموز تفاوت معناداری وجود دارد. در این جدول میزان تأثیر یا تفاوت برابر با $0/68$ است، به عبارت دیگر، ۶۸ درصد تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان در تعامل معلم - دانش‌آموز مربوط به آموزش فلسفه به کودکان است.

جدول ۵. نتایج تحلیل کواریانس یک‌راهه برای بررسی تفاوت میانگین نمرات پس‌آزمون ابعاد تعامل معلم - دانش‌آموز

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	مجذور اتا
رهبری	پیش‌آزمون	۱۵۳/۰۴	۱	۱۵۳/۰۴	۲۹/۱۷	۰/۰۰۰۱	۰/۵۵
	گروه	۱۵۷/۶۶	۱	۱۵۷/۶۶	۳۰/۰۵	۰/۰۰۰۱	۰/۵۵
	خطا	۱۲۵/۸۸	۲۴	۵/۲۴			
درک و فهم	پیش‌آزمون	۱۸/۰۰	۱	۱۸/۰۰	۳/۰۱	۰/۰۹۶	۰/۱۱
	گروه	۹۴/۳۶	۱	۹۴/۳۶	۱۵/۷۸	۰/۰۰۱	۰/۴۰
	خطا	۱۴۳/۴۹	۲۴	۵/۹۷			
عدم اطمینان	پیش‌آزمون	۴۸/۳۷	۱	۴۸/۳۷	۵۷/۴۷	۰/۰۰۰۱	۰/۶۹

۰/۴۲	۰/۰۰۰۱	۱۷/۵۰	۱۵/۵۴	۱	۱۵/۵۴	گروه	
			۰/۸۸۸	۲۴	۲۱/۳۱	خطا	
۰/۶۲	۰/۰۰۰۱	۲۹/۱۴	۱۸۷/۳۱	۱	۱۸۷/۳۱	پیش‌آزمون	سرزنش کردن
۰/۵۶	۰/۰۰۰۱	۳۹/۹۸	۱۴۸/۲۹	۱	۱۴۸/۲۹	گروه	
			۴/۷۸	۲۴	۱۱۵/۵۵	خطا	مسئولیت و آزادی
۰/۶۶	۰/۰۰۰۱	۳۰/۱۴	۱۳۷/۲۱	۱	۱۳۷/۲۱	پیش‌آزمون	
۰/۷۲	۰/۰۰۰۱	۳۳/۹۸	۱۵۸/۲۹	۱	۱۵۸/۲۹	گروه	عدم رضایت
			۵/۸۹	۲۴	۱۲۴/۸۵	خطا	
۰/۷۶	۰/۰۰۰۱	۲۹/۱۴	۱۹۸/۳۱	۱	۱۹۸/۳۱	پیش‌آزمون	رفتار سخت‌گیرانه
۰/۶۲	۰/۰۰۰۱	۴۱/۹۸	۱۶۸/۲۹	۱	۱۶۸/۲۹	گروه	
			۵/۶۲	۲۴	۱۲۰/۸۵	خطا	کمک و یاری
۰/۶۱	۰/۰۰۰۱	۲۹/۱۴	۲۰۰/۱۱	۱	۲۰۰/۱۱	پیش‌آزمون	
۰/۵۶	۰/۰۰۰۱	۴۱/۹۸	۱۷۰/۳۱	۱	۱۷۰/۳۱	گروه	رفتار سخت‌گیرانه
			۵/۸۲	۲۴	۱۲۲/۷۰	خطا	
۰/۶۰	۰/۰۰۰۱	۴۱/۹۸	۱۶۸/۲۹	۱	۱۶۸/۲۹	پیش‌آزمون	کمک و یاری
۰/۸۸	۰/۰۰۰۱	۲۹/۱۴	۱۹۸/۳۱	۱	۱۹۵/۳۱	گروه	
			۵/۹۰	۲۴	۱۲۰/۸۵	خطا	

نتایج ارائه‌شده در جدول ۵ نشانه می‌دهد، با کنترل پیش‌آزمون بین دانش‌آموزان دو گروه آزمایش و کنترل در تمام ابعاد تعامل معلم - دانش‌آموز تفاوت وجود داشت. این تفاوت در ابعاد رهبری با مجذور اتا ۰/۵۵، عدم اطمینان با مجذور اتا ۰/۴۲، سرزنش کردن با مجذور اتا ۰/۵۶، مسئولیت و آزادی با مجذور اتا ۰/۷۲، عدم رضایت با مجذور اتا ۰/۶۲، رفتار سخت‌گیرانه با مجذور اتا ۰/۵۶، و کمک و یاری با مجذور اتا ۰/۸۸ در سطح $p < ۰/۰۰۰۱$ و در بعد درک و فهم با مجذور اتا ۰/۴۰ در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنادار بودند. به عبارت دیگر می‌توان نتیجه گرفت که آموزش فلسفه به کودک بر کیفیت تعامل بین معلم و دانش‌آموز مؤثر است.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از رسالت‌های مهم نظام تعلیم و تربیت علاوه بر آموختن مطالب درسی، آموزش مهارت‌های اجتماعی و زندگی به دانش‌آموزان و فراهم کردن شرایط برای رشد جامعه است. کیفیت تعامل معلم - دانش‌آموز با نقش تأثیرگذار خود بر روی آنچه دانش‌آموزان در مدرسه و کلاس درس می‌آموزند؛ زمینه‌ساز دستیابی به رسالت‌ها و اهداف نظام تعلیم و تربیت است. بنابراین وجود تعامل سازنده بین معلم و دانش‌آموز در فرآیند یاددهی - یادگیری بخصوص در آموزش متوسطه نقش مهم و حیاتی دارد. از آنجایی که داشتن قدرت تفکر و استدلال در دانش‌آموزان از عوامل برقراری تعامل سازنده بین معلم و دانش‌آموز است پژوهش حاضر به منظور بررسی تأثیر آموزش فلسفه به کودکان بر کیفیت تعاملی معلمان و دانش‌آموزان دختر متوسطه اول انجام گرفت.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش نشان داد که آموزش فلسفه به کودکان موجب افزایش تعامل بین معلمان و دانش‌آموزان می‌شود. نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیره در مقایسه مؤلفه‌های تعامل معلم - دانش‌آموز نشان داد که بین دانش‌آموزان گروه‌های آزمایش و کنترل حداقل از لحاظ یکی از مؤلفه‌های کیفیت تعاملی معلم - دانش‌آموز تفاوت معناداری وجود دارد و آموزش فلسفه به کودکان به اندازه ۶۸ درصد بر تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان در تعامل بین معلمان و دانش‌آموزان مؤثر است. همچنین در بررسی تفاوت نمرات پس‌آزمون ابعاد تعامل معلم - دانش‌آموز نیز نتایج تحلیل کوواریانس نشان داد با کنترل پیش‌آزمون، بین دانش‌آموزان دو گروه آزمایش و کنترل در تمام ابعاد تعامل معلم - دانش‌آموز تفاوت معنادار وجود دارد. یافته‌های این پژوهش را به‌طور کلی می‌توان با

پژوهش‌های دیگران (Hosseiniamin et al, 2018; Hoseiniamin et al, 2018; Mahrouzadeh & Ramezanpoor, 2011; Cheraghzadeh et al, 2019; Topping & Trickey, 2014; Yan et al, 2018) که همگی در مطالعات خود اثربخش بودن آموزش فلسفه به کودکان را بر ارتقاء سطح مهارت‌های اجتماعی، شناختی، رشد اخلاقی، افزایش تعامل بین همسالان و کاهش رفتارهای غیراجتماعی نشان داده‌اند؛ همسو دانست.

در تبیین نتایج پژوهش می‌توان بیان کرد که آموزش فلسفه به کودکان به دلیل آموختن مهارت‌های اجتماعی و ارتقاء قدرت پرسشگری از طریق ایجاد فرصت‌هایی برای گفت‌وگوی فلسفی در بین کودکان، شرایطی را فراهم می‌کند تا دانش‌آموزان در کلاس درس دائماً با معلمان خود در ارتباط باشند و همچنین با استفاده از قوه تحلیل و قضاوت خود و با حفظ احترام نظرات دیگران، در بحث‌های کلاس شرکت فعال داشته باشند. در روند اجتماع پژوهشی به تقویت مهارت‌های اجتماعی و شناختی پرداخته می‌شود که افراد در زندگی فردی و اجتماعی خود به آن نیاز دارند. اگر این کار در حلقه‌های کندوکاو به‌طور صحیح و در راستای اهداف از پیش تعیین‌شده انجام گیرد، نتیجه عمل، تربیت نسلی نقاد، خلاق، تحلیل‌گر و مسئولیت‌پذیر خواهد بود؛ نسلی که توانایی آن را دارد تا زندگی فردی، اخلاقی و اجتماعی خود را بر اساس تفکر صحیح و منطقی پایه‌گذاری کند چراکه بسیاری از مهارت‌هایی که از طریق کیفیت تعاملی و برنامه آموزش فلسفه به کودکان تقویت می‌شوند، در واقع مهارت‌هایی هستند که محورهای اصلی تربیت یک شهروند مدنی را تشکیل می‌دهند.

در مقابل معلمان هم در برقراری و حفظ این تعامل نقش مهم و تأثیرگذاری خواهند داشت. معلم فردی است که رفتار و منش وی تأثیرات ماندگاری بر دانش‌آموزان خواهد داشت. معلمان باید در کلاس هم مدیری ماهر و هم سخنران و شنونده خوبی باشند؛ در این صورت قادر خواهند بود که رابطه دوطرفه و سازگار با دانش‌آموزان خود داشته باشند. رفتارهای اطمینان‌بخش و به‌دوراز سرزنش معلمان همچنین حمایت و پشتیبانی‌های آن‌ها در فرآیند تعلیم و تربیت می‌تواند محیطی مملو از همکاری، روابط دوستانه و کمک و یاری در کلاس ایجاد کند که در نهایت منجر به شرکت آزادانه آن‌ها در بحث‌های کلاسی و حفظ تعامل بین دو طرف می‌شود. در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان بیان کرد که آموزش فلسفه به کودکان و حضور دانش‌آموزان در اجتماع پژوهشی گروهی با داشتن بحث‌های فلسفی، زمینه را برای رشد مهارت‌های اجتماعی و شناختی دانش‌آموزان و رشد قوه تحلیل و استدلال در آن‌ها فراهم کرده و می‌تواند به دانش‌آموزان در داشتن تعاملی سازنده با اطرافیان از جمله معلمان خود کمک کند.

در ارتباط با محدودیت‌های پژوهش باید به این مسئله اشاره کرد که چون نتایج پژوهش مبتنی بر پرسش‌نامه بود و از روش‌های دیگری مانند مصاحبه، مشاهده در گردآوری داده‌ها هم‌زمان با اجرای پرسش‌نامه استفاده نشد امکان قرار گرفتن پاسخ‌ها در معرض محدودیت‌های اجتماعی و سوگیری وجود داشت. از طرفی این پژوهش صرفاً در دانش‌آموزان دختر انجام پذیرفته است بر این اساس در تعمیم نتایج به دانش‌آموزان پسر بایستی جوانب احتیاط رعایت شود.

از نظر کاربردی به مسئولان و مدیران آموزش و پرورش پیشنهاد می‌گردد با توجه به اهمیت آموزش فلسفه به کودکان و تأثیرات سازنده آن بر آینده فرد و جامعه، آموزش این برنامه با روش اجتماع پژوهشی در سطح مدارس مورد توجه قرار گیرد و با عنایت به این موضوع که کلاس فلسفه با دیگر کلاس‌های معمول متفاوت است و دانش‌آموزان باید به راحتی یکدیگر را دیده و در بحث‌ها مشارکت کنند؛ پیشنهاد می‌گردد کارگاه‌های آموزشی جهت آموزش معلمان در ارتباط با رعایت آداب بحث و نحوه جذب دانش‌آموزان در بحث‌ها تشکیل گردد. با توجه به دشواری موضوع فلسفه، پیشنهاد می‌گردد که دوره‌های ضمن خدمت در زمینه آموزش مباحث و آراء فلسفی برای معلمان برگزار گردد. همچنین مدارس از طریق تشکیل جلسات آموزش خانواده، می‌تواند والدین را در جهت استفاده بهتر و بیشتر از ظرفیت‌های فکری فرزندان خود در امورات مختلف، یاری نماید. از نظر پژوهشی به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌گردد به بررسی اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر ارتباط کودکان با والدین و همچنین تعامل سازنده کودکان با همسالان بپردازند. گذشته از این پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران جهت دستیابی به نتایج واقعی‌تر با استفاده از روش تحقیق کیفی دیدگاه‌های دانش‌آموزان و معلمان را در ارتباط با تعامل بین معلم و دانش‌آموز مورد بررسی قرار دهند.

مشارکت نویسندگان

نوع و سهم مشارکت نویسندگان در پژوهش حاضر به صورت مساوی در بین نویسندگان است و نقشه و طرح اساسی، تحلیل داده‌ها و جمع‌بندی آن توسط دکتر بهبود یاریقلی، جمع‌آوری داده‌ها توسط خانم مریم حلیمی شبستری و نوشتن مبانی نظری توسط خانم پروین بهاری انجام گرفت.

تشکر و قدردانی

پژوهش حاضر حاصل یک کار پژوهشی است. همچنین از تمام کسانی که در انجام این پژوهش ما را یاری کردند و امکان اجرای پژوهش و نمونه‌گیری در میان دانش‌آموزان را فراهم نمودند، کمال تشکر و قدردانی را داریم.

تعارض منافع

«هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است»

منابع

- Allen, J., Gregory, A., Mikami, A., Lun, J., Hamre, B., & Pianta, R. (2013). Observations of effective teacher – student interactions in secondary school classrooms: Predicting student achievement with the classroom assessment scoring system secondary. *School psychology review*, 42(1), 76-98. <https://doi.org/10.1080/02796015.2013.12087492>
- Araujo, P. T., Cardoso, A. P., & Fidalgo, S. (2016). Leadership and Pedagogical Interaction as Predictors of Learning Outcomes in Physical Education. *Paper presented at the 7 th ICEEPSY 2016 International Conference on Education and Educational Psychology*. Future Academy, Cognitive-crcs. <https://doi.org/10.15405/epsbs.2016.11.7>
- Cheraghzadeh, M., Kord Noghabi, r., & Sohrabi, Z. (2019). The Effectiveness of Training Philosophy to Children on the Feeling of Loneliness and Disappointment of Students. *Thinking and Children*, 10(1), 37-50. [In Persian]. <https://doi:10.30465/fabak.2019.4927>
- Di Masi, D., & Santi, M. (2016). Learning democratic thinking: a curriculum to philosophy for children as citizens. *Journal of Curriculum Studies*, 48(1), 136-150. <https://doi.org/10.1080/00220272.2015.1088064>
- Droit, R. P., (2007). *Ustifying Philosophy for My Daughter*. Translated by Vafaii, T. Tehran: Iranban, Qatreh Publishing. [In Persian]
- Fatemi, F., Sadeghi, R., & Shahban, H. (2021). The Effectiveness of the Combined Training of Philosophy for Children and Empathy Program on Students' Social Competence. *Thinking and Children*, 11(2), 211-229. [In Persian] <https://doi:10.30465/FABAK.2021.5971>
- Fisher, R. (1943). *Stories to think about (Thirty stories, thirty themes)*. Translated by Shahri Langroudi, S. J., (2013). Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- Gorard, S., Siddiqui, N., & See, B. H. (2018). *Philosophy for Children: Evaluation report and executive summary*. <https://files.eric.ed.gov/fulltext/ED581147.pdf>
- Hafen, C. A., Hamre, B. K., Allen, J. P., Bell, C. A., Gitomer, D. H., & Pianta, R. C. (2015). Teaching through interactions in secondary school classrooms: Revisiting the factor structure and practical application of the Classroom Assessment Scoring System–Secondary. *The Journal of Early Adolescence*, 35(5-6), 651-680. <https://doi.org/10.1177/0272431614537117>
- Hosseinchari, M., Ghezbigloo, F. & Jowkar, B. (2019). Mediaation Role of Goal orientation in the Relationship between teacher-student interaction and Self-efficacy with Academic Buoyancy. *Educational Psychology*, 15(52), 45-85. [In Persian]. <https://doi:10.22054/jep.2019.26393.2022>

- Hosseiniamin, H., Kahnooji, M., & Iran nejad parizi, S. (2018). The Effects of Philosophy Education on the Social Behavior of the 5th and 6th-Grade Male Students in the Primary Schools of Sarcheshmeh City. *Community Health Journal*, 12(1), 41-48. [In Persian]. <https://doi:10.22123/chj.2018.114149.1080>
- Isa Morad, A., Nafar, Z., & Fatemi, F.-S. (2019). The Effectiveness of Teaching Philosophy on Children on Empathy and Solving Social Problems Elementary School Students. *Clinical Psychology Studies*, 9(36), 117-134. [In Persian]. <https://doi.org/10.22054/jcps.2020.42545.2139>
- Jensen, S. S. (2021). The Impact of Philosophy with Children from the Perspective of Teachers. *Educational Studies*, 1-14. <https://doi.org/10.1080/03055698.2020.1871323>
- Jesprsn, P. (2005). *Philosophical stories for children and adolescents*. Translated by Kianian, M. and Sharifian, S, H. Kerman: Fanoos. [In Persian].
- Kadivar, P. (2017). *Educational Psychology*. Tehran: Samt. [In Persian].
- Kiemer, K., Groschner, A., Pehmer, A. K., & Seidel, T. (2015). Effects of a classroom discourse intervention on teachers' practice and students' motivation to learn mathematics and science. *Learning and Instruction*, 35, 94-103. <https://doi.org/10.1016/j.learninstruc.2014.10.003>
- Lari, N., Hejazi, E., Ejei, J., & Jowkar, B. (2019). Teachers' perception of the factors influential on teacher-student relationship: A phenomenological analysis. *Educational Innovations*, 18 (2), 53-80. [In Persian]. <https://doi.org/10.22034/JEI.2019.92883>
- Lipman, M. (2003). *Thinking in education*. Cambridge University Press. <https://doi:10.1017/CBO9780511840272>
- Lourdusamy, A., & Khine, M. S. (2001). Self-Evaluation of Interpersonal Behavior and Classroom Interaction by Teacher Trainees. *The International Educational Research Conference*, University Notre Dame, Fremantle, Western Australia.
- Lukey, B. (2012). Philosophy for Children in Hawaii: A Community Circle Discussion. *Educational Perspectives*, 44, 32-37.
- Mahrouzadeh, T., & Ramezanpoor, S. (2011). The effect of community of inquiry method of philosophy for children on citizenship skills. *The Journal of New Thoughts on Education*, 7(3), 63-31. [In Persian]. <https://doi:10.22051/jontoe.2011.133>
- Marashi, M., Safaee Moghaddam, M., & Khazami, P. (2012). A study of the effects of teaching philosophy by using the community of inquiry method on the moral judgment development in fifth grade primary school students of Ahvaz. *Thinking and Children*, 1(1), 83-102. [In Persian]. URL: https://fabak.ihcs.ac.ir/article_269.html
- Mesrabadi, J. (2019). *Application of Inferential Statistics in Behavioral Sciences*. Tabriz: Azarbaijan Shahid Madani University. [In Persian].
- Mohammadi Baghmolai, H., & Yousefi, F. (2018). Structural relationship between teacher-student interaction, academic conflict and students' adaptation to school. *Teaching and Learning Studies*, 10 (2), 75-99. [In Persian]. <https://doi:10.22099/JSLI.2019.29377.2545>
- Mottaqi, S. H., Yazdi, S. M., Bani Jamali, S. H. S. & Darvizeh, Z. (2015). Teacher-student relationship and decision to continue or drop out: Mediating role: The mediating role of self-determination motivation and academic performance. *Research in Educational Systems*, 8 (27), 35-58. [In Persian]. DOR: 20.1001.1.23831324.1393.8.27.2.5
- Pennings, H. J., Brekelmans, M., Sadler, P., Claessens, L. C., van der Want, A. C., & van Tartwijk, J. (2018). Interpersonal adaptation in teacher-student interaction. *Learning and Instruction*, 55, 41-57. <https://doi.org/10.1016/j.learninstruc.2017.09.005>
- Pianta, R. C. (2016). Teacher-student interactions: Measurement, impacts, improvement, and policy. *Policy Insights from the Behavioral and Brain Sciences*, 3(1), 98-105. <https://doi.org/10.1177/2372732215622457>
- Poysa, S., Vasalampi, K., Muotka, J., Lerkkanen, M. K., Poikkeus, A. M., & Nurmi, J. E. (2019). Teacher-student interaction and lower secondary school students' situational engagement. *British Journal of Educational Psychology*, 89(2), 374-392. <https://doi.org/10.1111/bjep.12244>

- Rahmani Zahed, F., hashemi, Z., & Naghsh, Z. (2018). The causal modeling of creativity: The role of teacher-student interaction styles and basic psychological needs. *The Journal of New Thoughts on Education*, 14(1), 31-54. [In Persian]. <https://doi:10.22051/jontoe.2017.13947.1667>.
- Salehi, L., & Seif, D. (2012). Predictive Pattern of Loneliness based on Dimensions of Teacher-Student Interaction, and Perceived Competence among Students with and without Visual Impairment. *Psychology of Exceptional Individuals*, 2(5), 43-64. [In Persian]. [URL: https://jpe.atu.ac.ir/article_2135.html?lang=en](https://jpe.atu.ac.ir/article_2135.html?lang=en)
- Topping, K. J., & Trickey, S. (2014). The role of dialog in philosophy for children. *International Journal of Educational Research*, 63, 69-78. <https://doi.org/10.1016/j.ijer.2013.01.002>
- Turner, J. C., & Christensen, A. L. (2020). Using state space grids to analyze teacher-student interaction over time. *Educational Psychologist*, 55(4), 256-266. <https://doi.org/10.1080/00461520.2020.1793763>
- Vansieleghe, N. (2005). Philosophy for Children as the Wind of Thinking. *Journal of Philosophy of Education*, 39(1), 19-35. <https://doi.org/10.1111/j.0309-8249.2005.t01-1-00417.x>
- Vansieleghe, N., & Kennedy, D. (2011). What is philosophy for children, what is philosophy with children After Matthew Lipman? *Journal of Philosophy of Education*, 45(2), 171-182. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9752.2011.00801.x>
- Yan, S., Walters, L. M., Wang, Z., & Wang, C.C. (2018). Meta-analysis of the effectiveness of philosophy for children's programs on students' cognitive outcomes. *Analytic Teaching and Philosophical Praxis*, 39(1), 13-33. <https://journal.viterbo.edu/index.php/atpp/article/view/1160>